

بررسی عملکرد وزارت صنایع و معادن (بخش صنعت) (۱۳۷۴-۱۳۷۹)

دفتر امور زیربنایی

۱. مقدمه

در مطالعه حاضر دو هدف دنبال می‌شود: (۱) ارزیابی عملکرد بخش صنعت در دوره ۱۳۷۴-۱۳۷۹ (۲) ارزیابی تأثیر سیاست‌ها و اقدامات وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مسئول بخش صنعت بر عملکرد بخش. برای این منظور این مقاله در هشت قسمت تنظیم شده است. در قسمت اول، روش تحقیق و مشکلات تفکیک آثار شوک‌های بیرونی، بسترهای نهادی و قانونی و سیاست‌های فرابخشی از سیاست‌های اتخاذ شده در بخش مطرح شده است.

در قسمت دوم، عملکرد بخش صنعت در دوره برنامه دوم (۱۳۷۴-۱۳۷۸) و سال اول برنامه سوم (۱۳۷۹) ارزیابی گردیده است.

قسمت سوم مقاله، اختصاص به ارزیابی تأثیر سیاست‌های فرابخشی بر عملکرد صنعت

این مقاله، چکیده پژوهشی است که به سفارش «دفترخانه دائمی بررسی عملکرد دستگاه‌های اجرایی» در دفتر امور زیربنایی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی توسط گروه مطالعاتی به سرپرستی آقای دکتر بهروز هادی‌زنوز عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی انجام گرفته و متن کامل گزارش در مرتز موجود است.

کشور دارد.

در قسمت چهارم، تأثیر استراتژی تجاری و نظام انگیزش‌های مالی بر عملکرد بخش مطرح شده است.

در قسمت پنجم مقاله، سیاست‌های صنعتی و تکنولوژیک طی دوره مورد مطالعه و تأثیرات آن بر عملکرد بخش، مورد توجه قرار گرفته است.

در قسمت ششم و هفتم نحوه واگذاری صنایع دولتی و عملکرد شرکت شهرک‌های صنعتی ارزیابی شده است.

در قسمت هشتم، چالش‌های مهمی که پیش روی صنعت کشور قرار دارد، مطرح شده‌اند.

۲. روش تحقیق

روش انتخاب شده برای این مطالعه، توصیفی و تحلیلی است. داده‌های آماری مطالعه به طرز عمده مبتنی بر انتشارات رسمی سازمان‌های دولتی است.

در این مطالعه برای سنجش کمی عملکرد بخش، به شاخص‌های ارزش افزوده، مقدار تولید محصولات منتخب، صادرات، اشتغال و بهره‌وری، تغییرات ساختاری در بخش و سرمایه‌گذاری توجه شده است.

به منظور ارزیابی عوامل مؤثر بر عملکرد بخش، این عوامل به چند دسته به شرح زیر تقسیم شده‌اند:

۱. شوک‌های بیرونی که مستقل از اراده دولت و بنگاه‌های صنعتی‌اند و مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از شوک‌های نفتی و خشکسالی.
 ۲. بسترهای نهادی و قانونی به ویژه حقوق مالکیت، نهادهای بازار کار و بازار سرمایه.
 ۳. سیاست‌های فرابخشی دولت در امور اقتصادی، شامل سیاست‌های مالی، پولی، ارزی، اعتباری و تجاری.
 ۴. سیاست‌های صنعتی دولت، شامل انتخاب صنایع پیشرو، سیاست تکنولوژیک، دخالت در ساختار بازار، ارائه اطلاعات و ایجاد هماهنگی.
- تا جایی که به ارزیابی عملکرد وزارتخانه‌های صنعتی مربوط است، علاوه بر سیاست‌های صنعتی و تکنولوژیک، فعالیت‌های انجام شده در زمینه تحقیقات، توسعه

خدمات مهندسی، آموزش، استاندارد، ایجاد شهرک‌های صنعتی و خصوصی‌سازی مورد ارزیابی قرار گرفته است.

در خصوص ارزیابی تأثیر سیاست‌ها بر عملکرد بخش باید اذعان داشت که این امر کاری است بس دشوار؛ چراکه:

اولاً شواهدی در دست نیست که نشان دهد در غیاب اعمال سیاست‌ها، عملکرد بخش چگونه می‌توانست باشد؛ بهتر از عملکرد مشاهده شده یا بدتر از آن.

ثانیاً در بسیاری از موارد تأثیر سیاست‌ها با وقفه زمانی همراه است و بنابراین، نمی‌توان عملکرد هر دوره را به سیاست‌های اعمال شده در همان دوره نسبت داد.

ثالثاً جدا کردن تأثیر سیاست‌های فرابخشی از سیاست‌های اتخاذ شده در بخش اساساً امکان‌پذیر نیست. به خصوص اگر به این نکته توجه شود که گاه مجموعه سیاست‌های سازگار، اثر بر هم فزاینده دارند و سیاست‌های ناسازگار اثر یکدیگر را خنثی می‌کنند.

رابعاً سیاست‌ها بر حسب ترتیبات نهادی و حقوقی معین عمل می‌کنند. بنابراین، سیاست‌های مناسب بر بستر نامناسب نهادی تأثیر لازم را بر جای نمی‌گذارند.

خامساً نحوه به کار بستن سیاست‌ها در میزان اثربخشی آن‌ها مؤثر است؛ اما برای اطلاع از کم و کیف این کار، مصاحبه‌های ژرفانگر با مسئولان ذی ربط لازم است. متأسفانه این کار به دلیل محدود بودن زمان بررسی و معاذیر دیگر به طور کامل انجام نشد.

سادساً جدا کردن اثر شوک‌های بیرونی (مانند شوک نفتی مثبت و منفی و خشکسالی) از اثر سیاست‌ها بر عملکرد بخش کار ساده‌ای نیست.

در مطالعه حاضر تلاش شده با اتخاذ روش کل‌گرا نقش و جایگاه هر یک از عوامل فوق به صورت کیفی مشخص شود؛ اما تلاشی برای جدا کردن تأثیرات عوامل مختلف از نظر کمی صورت نگرفته است.

۳. ارزیابی عملکرد بخش صنعت

شاخص‌های مربوط به عملکرد بخش در جدول ۱ گنجانده شده است.

جدول ۱ شاخص‌های مربوط به عملکرد بخش صنعت

شاخص	واحد	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹
ارزش افزوده صنعت به قیمت ثابت سال ۶۹	میلیارد ریال	۴۴۹۴/۰	۵۱۰۲۰	۵۶۷۷/۰	۵۷۳۱/۰	۵۸۶۸/۰	۶۴۱۹/۶
رشد سالانه صنعت	درصد	۴	۱۳/۵	۱۱/۳	۱/۰	۲/۴	۹/۴
رشد بهره‌وری سرانه نیروی کار	درصد	۵/۶	۴/۱	۶/۸	(۱) ۵/۳	(۲) ۰	ن.م
صادرات صنعتی	میلیون دلار	۱۲۷۶/۳	۱۴۱۳/۱	۱۵۷۹/۸	۱۵۸۸/۲	۱۸۴۷/۴	۲۰۰۰
سهم صنعت در GDP به قیمت پایه ثابت	درصد	۱۰/۵	۱۱/۴	۱۲/۴	۱۲/۰	۱۱/۷	۱۲/۶
سرمایه گذاری صنعتی به قیمت ثابت ۱۳۶۹	میلیارد ریال	۸۹۵/۶	۱۱۹۸/۱	۱۳۵۳/۸	۱۵۳۱/۴	۱۴۷۸/۱	۱۶۰۰

توضیح: ۱: مربوط به کارگاه‌های ۱۰ نفر و بیش تر است. ۲: موجود نیست.
 مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، حساب‌های ملی ۷۸-۱۳۳۷ (تجدید نظر شده)، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. گزارش اقتصادی و ترازنامه سال‌های مختلف.

الف) رشد بخش صنعت

میانگین سالانه رشد بخش صنعت در دوره برنامه دوم ۶/۴ درصد و بیش از رشد پیش‌بینی شده برای صنعت و معدن (۵/۹ درصد) بود. در سال اول برنامه سوم، رشد صنعتی کشور بیش از میانگین برنامه دوم و ۹/۴ درصد بود. گفتنی است که رشد صنعت کشور در دوره مورد بررسی پس از یک دوره به نسبت طولانی رکود صنعتی در سال‌های ۱۳۷۴-۱۳۷۰ به دست آمد. پر نوسان بودن رشد صنعتی کشور در دوره مورد بررسی (جدول ۱) گویای تأثیر پذیری شدید این بخش از شوک‌های بیرونی و تأثیر کم سیاست‌های اتخاذ شده در زمینه ایجاد رشد پایدار در بخش است.

در دوره مورد بررسی، صنایع خودروسازی، تولید وسایل برقی منزل، فولاد، مس و پتروشیمی از بالاترین رشد برخوردار بودند؛ اما در صنایع نساجی، قند و شکر و چوب، میزان رشد اندک و منفی بود. در صنایع ماشین‌سازی نیز تحول‌نمایانی در تعداد تولیدات مشاهده نشد.

ب) تحول اشتغال صنعتی

در دوره زمانی ۱۳۷۵-۱۳۵۵ اشتغال صنعتی با نرخ متوسط سالانه ۲/۱ درصد افزایش یافت و در سال ۱۳۷۵ تعداد کارکنان بخش صنعت به ۲۵۵۲ هزار نفر رسید. گفتنی است که در حدود

یک سوم از شاغلان بخش صنعت در کارگاه‌های بزرگ (دارای ۱۰ نفر کارکن و بیش‌تر) به کار اشتغال دارند.

هر چند آمار جامعی در مورد تحول اشتغال صنعتی در دوره مورد بررسی در دست نیست، آمارهای پراکنده موجود گویای آن است که در این دوره فرصت‌های شغلی محدودی در بخش صنعت کشور شکل گرفته است. آمارگیری صنعتی مرکز آمار ایران گویای آن است که در ظرف سه سال (۱۳۷۷-۱۳۷۴) فقط ۷۵/۵ هزار فرصت شغلی جدید در صنایع بزرگ کشور به وجود آمده است. در واقع وجود مازاد نیروی کار در اغلب واحدهای صنعتی و رکود رشته‌های کاربری همچون صنایع نساجی و نیز کاهش حجم سرمایه‌گذاری‌های صنعتی در دوره مورد بررسی عامل اصلی این وضع بوده است.

آمار انتشار یافته از سوی وزارت صنایع گویای این مطلب است که در دوره ۱۳۷۹-۱۳۷۴ سالانه در حدود ۵۱/۴ هزار فرصت شغلی در طرح‌های صنعتی راه‌اندازی شده به وجود آمده است. حتی اگر چنین فرض شود که در طی این مدت، هیچ یک از شاغلان بخش صنعت کار خود را از دست نداده، ایجاد این تعداد شغل در این بخش به هیچ وجه جوابگوی نیازهای جامعه نیست.

ج) تحول بهره‌وری سرانه نیروی کار

اطلاعات موجود گویای آن است که رشد بهره‌وری سرانه نیروی کار در صنایع دارای ۵۰ نفر کارکن در سه سال اول برنامه دوم در خور توجه بوده و به طور متوسط به ۵/۵ درصد رسیده است. این رقم در مقایسه با عملکرد این صنایع در دوره ۱۳۷۶-۱۳۵۶ (که ۰/۵ درصد در سال بوده) بهبود در خور توجهی را نشان می‌دهد.

در سال ۱۳۷۷، به دلیل کاهش نرخ بهره‌برداری از ظرفیت‌های صنعتی و چسبندگی اشتغال، بهره‌وری نیروی کار در کارگاه‌های دارای ۱۰ نفر کارکن و بیش‌تر به میزان ۵/۳ درصد کاهش یافت. به نظر می‌رسد در سال ۱۳۷۸ نیز به دلیل رکود صنعتی، نباید بهره‌وری نیروی کار چندان بهبودی پیدا کرده باشد، ولی در سال ۱۳۷۹ به دلیل رشد سریع صنعتی علی‌القاعده باید بهره‌وری نیروی کار بهبود یافته باشد.

مطالعات موردی گویای آن است که در دوره مورد بررسی بهره‌وری نیروی کار در صنایع خودروسازی، فولادسازی و پتروشیمی به میزان در خور توجهی افزایش یافته است؛ اما

نکته این است که حتی در این صنایع نیز سطح بهره‌وری سرانه نیروی کار و بهره‌دهی تولید در مقایسه با کشورهای پیشرفته صنعتی و کشورهای نیمه صنعتی بسیار نازل است. وجود نیروی کار مازاد در صنایع بزرگ، نازل بودن سرمایه سرانه به کار رفته در تولید و عدم بهره‌گیری از صرفه‌های مقیاس به دلیل کوچک بودن بازار داخلی از جمله دلایل پایین بودن بهره‌وری سرانه نیروی کار در کشور است. عامل مؤثر دیگر این است که صنایع داخلی چون در معرض رقابت خارجی قرار نگرفته‌اند، در یادگیری مهارت‌ها، بهبود روش‌های انجام کار و سازماندهی تولید و انجام تحقیقات صنعتی به منظور ارتقای کیفیت محصولات و تغییر روش‌های فنی تولید دچار رخوت هستند.

د) صادرات صنعتی

به موازات صنعتی شدن، مهارت‌ها و سرمایه فیزیکی انباشته می‌شود و دسترسی به نهاده‌های واسطه‌ای افزایش می‌یابد. تحول شرایط عرضه و صرفه‌های مقیاس که در اثر رشد بازار داخلی برای کالاهای صنعتی به وجود می‌آید، موجب تغییر مزیت نسبی کشور در بازار جهانی می‌شود و کشورهای در حال توسعه از تخصص‌یابی در محصولات اولیه که وجه مشخصه مراحل اولیه توسعه اقتصادی است، فاصله می‌گیرند و به صدور کالاهای صنعتی رو می‌آورند.

هر چند این روند در ایران نیز مشاهده می‌شود، لکن عملکرد اقتصاد کشور در این زمینه ضعیف است.

ارزش صادرات صنعتی کشور که در سال ۱۳۷۳ در حدود ۱۵۱۰ میلیون دلار بود، در سال ۱۳۷۸ به ۱۸۴۸ میلیون دلار رسید (جدول ۱) و به قیمت جاری از رشد سالانه در حدود ۴/۱ درصد برخوردار شد. بدین ترتیب هدف برنامه در مورد رشد صادرات غیرنفتی کشور به میزان ۸/۴ درصد در سال تحقق نیافت.

اطلاعات موجود گویای آن است که طی ده ماهه اول سال ۱۳۷۹ ارزش صادرات صنعتی کشور در مقایسه با مدت مشابه قبل ۲۸/۱ درصد افزایش داشته است (وزارت صنایع).

واقعیت این است که سهم بخش صنعت در کل صادرات کالایی کشور در طی دوره مورد بررسی کم‌تر از ۱۰ درصد بوده و در این مدت همچون سال‌های گذشته، تراز بازرگانی بخش صنعت منفی باقی مانده است.

ترکیب صادرات کشور گویای آن است که کشور ما در صدور کالاهای انرژی بر، کاربر و مبتنی بر مواد اولیه محلی تخصص یافته است و کالاهای تکنولوژی بر اساساً در میان کالاهای صادراتی ایران جایی ندارند.

صنایع سریع رشد کشور مانند فولاد، پتروشیمی و خودرو در تصرف بازارهای جهانی موفقیت چندانی به دست نیاورده‌اند و صنعت قدیمی نساجی کشور حتی توان حفظ سهم خود از بازار داخلی را ندارد تا چه رسد به افزایش سهم خود در بازار جهانی.

ه) تحول ساختار تولید

در فرایند صنعتی شدن، ساختار تولید صنعتی در واکنش به عوامل مؤثر در سمت عرضه و تقاضا متحول می‌شود. در سمت عرضه، تغییر قیمت نسبی عوامل تولید و کسب توانایی‌های تکنولوژیک موجب تغییر در ترکیب تولید صنعتی می‌شود. در سمت تقاضا، به دنبال افزایش درآمد سرانه، ترکیب تقاضای مصرفی به سمت کالاهای متنوع‌تر صنعتی تغییر می‌کند. در سمت تقاضا همچنین با تعمیق فرایند صنعتی شدن، تقاضا برای کالاهای واسطه‌ای با سرعت بیش تری از تقاضا برای کالاهای نهایی افزایش می‌یابد. سرانجام در سمت تقاضا عامل دیگری که به ویژه در اقتصادهای با جهت‌گیری بیرونی بیش تر اثر گذار است، مربوط به تقاضای صادرات محصولات صنعتی است. در واقع با کسب توانایی‌های تکنولوژیک جدید و تغییر قیمت نسبی عوامل تولید، مزیت‌های نسبی یک کشور در بازار جهانی محصولات صنعتی دستخوش تغییر می‌شود و به تدریج کشور مورد نظر از تولید و صدور کالاهای کاربر یا مبتنی بر مواد اولیه محلی به سمت تولید و صدور کالاهای سرمایه‌بر و تکنولوژی بر حرکت می‌کند.

با بررسی ساختار تولید و اشتغال صنعتی در کشور در دوره ۱۳۷۸-۱۳۷۳ در می‌یابیم که: اولاً طی این دوره، صنایع غذایی، منسوجات و پوشاک و صنایع کانی غیر فلزی که در مراحل اولیه صنعتی شدن حائز اهمیتند همچنان اهمیت خود را در ساختار تولید صنعتی کشور حفظ کرده‌اند. این صنایع از تکنولوژی پیشرفته برخوردار نیستند و عمدتاً به منابع مواد اولیه محلی متکی‌اند.

ثانیاً صنایع تولید مواد و محصولات شیمیایی و ساخت فلزات اساسی که در شمار صنایع سنگین قرار دارند و انرژی‌بر و متکی بر صرفه‌های مقیاسند در ساختار صنعتی کشور اهمیت

بیش تری به دست آورده‌اند. با گسترش این صنایع روابط داده - ستانده صنعتی نیز در اقتصاد کشور تقویت شده است.

ثالثاً صنایع خودروسازی با نرخ رشد بالای خود در دوره مورد بررسی اهمیت روز افزونی در ساختار صنعتی کشور کسب کرده‌اند و انتظار می‌رود طی دوره برنامه سوم نیز این روند تداوم یابد.

رابعاً سهم صنایع تولیدکننده ماشین آلات و تجهیزات برقی و غیربرقی و ماشین آلات دفتری و محاسباتی در ارزش افزوده صنعتی بسیار اندک است. این محصولات از نظر کیفیت تمایزگذاری شده‌اند و تولید آن‌ها مستلزم دسترسی به دانش فنی بالاتر از گروه‌های یاد شده قبلی است و به علاوه، فروش آن‌ها مستلزم ارائه خدمت بعد از فروش است. عقب ماندگی در این صنایع نه فقط به معنای اتکاب به واردات ماشین آلات است، بلکه کیفیت نازل این گونه تولیدات صنعتی، بر بهره‌روی و کیفیت تولید در بخش‌های مختلف اقتصاد و صنعت تأثیر منفی بر جا می‌گذارد.

و) تحول سهم بخش در GDP

با صنعتی شدن انتظار می‌رود سهم ارزش افزوده صنعت و معدن در تولید ناخالص داخلی روندی صعودی پیدا کند. در دوره مورد بررسی، در سه سال، رشد صنعتی از رشد GDP کم‌تر و در طی سه سال دیگر، از آن بیش‌تر بوده است و سهم بخش صنعت در GDP به قیمت پایه، افزایش در خور توجهی نداشته است (جدول ۱).

ز) تحول سرمایه‌گذاری در بخش صنعت

در دوره ۱۳۷۸-۱۳۷۴ جمعاً ۶۴۲۷ میلیارد ریال (به قیمت ثابت سال ۱۳۶۹) در بخش صنعت و معدن کشور سرمایه‌گذاری شده که این رقم در حدود ۲۲ درصد کم‌تر از مدت مشابه قبل (۱۳۷۳-۱۳۶۹) است.

طی ۶ سال، دوبرار قدر مطلق سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و معدن کاهش یافت؛ یک بار در سال ۱۳۷۴ به میزان ۲۰/۱ درصد و بار دیگر در سال ۱۳۷۸ به میزان ۱/۵ درصد.

در مورد علل کاهش سرمایه‌گذاری صنعتی در دوره مورد بررسی باید گفت:

۱. در این دوره، قیمت نسبی سرمایه در مقایسه با محصولات صنعتی به شدت افزایش

یافت.

۲. بررسی نرخ واقعی بهره بانکی در مقایسه با دوره قبل افزایش یافت و در سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ مضیقه مالی نیز در اثر سیاست انقباضی بانک مرکزی تشدید شد.
 ۳. در طی این دوره شاخص قیمت تولید محصولات صنعتی کم‌تر از سطح عمومی قیمت‌ها افزایش یافت.
 ۴. تنش‌های سیاسی و محیط نامناسب کسب و کار نیز در کاهش سرمایه‌گذاری صنعتی تأثیر داشت.
- در کنار کاهش سرمایه‌گذاری صنعتی، کیفیت پروژه‌های سرمایه‌گذاری و نحوه اجرای آن‌ها نیز موجب نگرانی است؛ بدین توضیح که:
۱. در کشور مازمان اجرای پروژه‌های صنعتی در حدود سه برابر نرم‌های جهانی است.
 ۲. در دوره مورد بررسی به دلیل گران شدن قیمت ماشین‌آلات - به دنبال کاهش شدید ارزش خارجی پول ملی - واردات ماشین‌آلات دست دوم که واجد تکنولوژی قدیمی‌ترند، متداول شد.
 ۳. ایجاد ظرفیت‌های اضافی در شاخه‌هایی از صنعت مانند منسوجات، فرش ماشینی، ماکارونی و سیمان، موجب بلااستفاده ماندن ظرفیت‌های ایجاد شده گردید.
 ۴. در کنار اعطای بی‌رویه مجوزهای صنعتی برای احداث واحدهای جدیدالتأسیس، نوسازی واحدهای قدیمی موجود مورد بی‌توجهی قرار گرفته است.
 ۵. با نگاهی به ترکیب مجوزهای تأسیس و پروانه‌های بهره‌برداری صادر شده توسط وزارت صنایع در دوره مورد بررسی می‌توان دریافت که بخش مهمی از سرمایه‌گذاری‌های کشور در صنایع کاربر، انرژی بر و مبتنی بر مواد اولیه محلی انجام می‌گیرد و سهم صنایع با تکنولوژی پیشرفته در سرمایه‌گذاری‌ها اندک است.
 ۶. سهم دولت در سرمایه‌گذاری‌های صنعتی قریب به ۵۰ درصد است و با توجه به اتلاف منابع در بخش عمومی، کارایی فنی و اقتصادی تعدادی از پروژه‌های دولتی محل تردید است.

۴. تأثیر سیاست‌های فرابخشی

مجموعه‌ای از شاخص‌های عملکرد سیاسی، چارچوب‌های نمادی و سیاست‌های اقتصادی

دولت، محیط کسب و کار را در محدوده مرزهای ملی تعیین می‌کند. هر قدر این محیط مناسب‌تر باشد، خطرهای تجاری و غیرتجاری سرمایه‌گذاری کم‌تر و هزینه مبادله در اقتصاد پایین‌تر خواهد بود.

جدول ۲ ارزیابی وضعیت محیط کسب و کار در ایران در مقایسه با کشورهای دیگر جهان

رتبه در میان ۸ کشور منطقه		رتبه در میان ۶۰ کشور		مقدار شاخص (از ۱۰)		عوامل مؤثر
۱۳۸۰	۱۳۷۵	۱۳۸۰	۱۳۷۵	۱۳۸۰	۱۳۷۵	
۵	۵	۵	۵	۵	۵	
۱۳۸۴	۱۳۷۹	۱۳۸۴	۱۳۷۹	۱۳۸۴	۱۳۷۹	
۷	۷	۵۹	۵۹	۳/۷	۳/۲۳	جایگاه کلی
۵	۶	۵۲	۵۵	۲/۱	۳/۳	وضعیت سیاسی
۲	۴	۵۰	۵۲	۲/۶	۳/۷	ثبات سیاسی
۶	۶	۵۳	۵۳	۲/۶	۲/۹	کارایی سیاسی
۵	۵	۲۵	۵۰	۷/۳	۲/۹	وضعیت اقتصاد کلان
۳	۳	۳۳	۳۶	۵/۷	۵/۳	فرصت‌های بازار
۷	۶	۵۹	۵۷	۲/۷	۲/۴	سیاست در قبال رقابت و بخش خصوصی
۷	۷	۵۹	۵۹	۲/۷	۲/۱	سیاست در قبال رقابت سرمایه‌گذاری خارجی
۷	۷	۵۹	۵۹	۱/۶	۲/۱	تجارت خارجی و کنترل نرخ ارز
۷	۷	۵۹	۵۹	۲/۸	۲/۵	مالیات
۶	۶	۵۸	۵۷	۲/۹	۱/۸	تأمین مالی
۸	۵	۶۰	۵۷	۳/۹	۲/۳	بازار کار
۷	۵	۵۵	۴۸	۳/۵	۳/۷	زیرساخت‌های فیزیکی

Source: Economic Intelligence Unit, 2001.

در دوره ۱۳۷۵-۱۳۷۹ میانگین امتیاز ایران از نظر محیط کسب و کار ۳/۲۳ از حداکثر ۱۰ و

رتبه ایران در میان ۶۰ کشور در حال توسعه ۵۹ بوده است. پیش بینی می شود در دوره ۱۳۸۴-۱۳۸۰ امتیاز ایران با اندکی افزایش به ۳/۷ برسد، اما در رتبه کشور تغییری ایجاد نخواهد شد (جدول ۲).

الف) سیاست های ارزی

در دوره مورد بررسی، ضرورت بازپرداخت دیون خارجی، موجب اعمال محدودیت های شدید مقداری بر واردات شد. همین امر بر انباشت سرمایه و نرخ بهره برداری از ظرفیت های تولید، تأثیر منفی گذاشت. شوک های منفی نفتی در برخی از سال های این دوره نیز مزید بر علت شد و بر وخامت اوضاع افزود.

تا جایی که به نرخ ارز مربوط است، در دوره ۱۳۷۹-۱۳۷۴، نرخ رسمی ارز در سطح هر دلار ۱۷۵۲/۵ ریال تقریباً ثابت باقی ماند، اما نرخ صادراتی ارز و نرخ بازار آزاد آن تغییر کرد. در دوره ۱۳۷۶-۱۳۷۴ شکاف میان نرخ صادراتی ارز با نرخ بازار آزاد آن رو به افزایش بود؛ اما این شکاف از سال ۱۳۷۷ به تدریج کاهش یافت. بی ثباتی نرخ واقعی ارز، طی این دوره، تأثیر نامطلوبی بر عملکرد صادرات صنعتی کشور داشت.

در سال ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ با بهبود درآمدهای ارزی کشور و ایجاد مازاد ارزی در موازنه بازرگانی و تراز پرداخت ها وضعیت کشور از نظر نقدینگی بین المللی بهبود یافت.

ب) آثار تورم و نرخ سود تسهیلات بانکی

در نرخ های بالای تورم، ساز و کار بازار، کارایی خود را برای تخصیص بهینه منابع از دست می دهد. به ویژه اگر تغییرات نرخ تورم زیاد باشد، نا اطمینانی نسبت به آینده و مخاطرات تجاری سرمایه گذاری افزایش می یابد. در دوره مورد بررسی، نرخ تغییر شاخص قیمت تولید کننده در بخش صنعت و معدن در خور توجه و همراه با نوسان زیاد بود (جدول ۳).

در این دوره به دلیل تثبیت نرخ سود تسهیلات بانکی و تغییرات زیاد شاخص قیمت تولید کننده، نرخ واقعی سود این تسهیلات برای بخش های صنعت و معدن کشور با نوسان زیاد همراه بود. در سال های ۱۳۷۴، ۱۳۷۵ و ۱۳۷۸ این نرخ برای بخش صنعت منفی ولی در سال ۱۳۷۹ مثبت و بسیار گران بوده است (جدول ۳).

بانک مرکزی در این دوره به جای تعیین نرخ اسمی سود تسهیلات بانکی بر پایه نرخ بهره

واقعی پول و نرخ تورم مورد انتظار، نرخ تورم سال‌های گذشته را ملاک عمل قرار داد و با این کار نه فقط بی‌اعتمادی خود را به سیاست‌های ضد تورمی دولت و بانک پذیرفت، بلکه هزینه دریافت اعتبارات بانکی را به نحو قابل توجهی افزایش داد.

ج) نحوه عمل بازارهای مالی

نقش بورس اوراق بهادار در تجهیز منابع مالی سرمایه‌گذاری‌های صنعتی در ایران محدود است و به رغم نقش و اهمیت بی‌بدیل بانک‌های تجاری و تخصصی در بازار پول و سرمایه کشور، نظام بانکی دچار تنگناهای جدی است. در طول برنامه دوم به رغم پیش‌بینی سیاست‌های معین برای تغییر چارچوب‌های قانونی و نهادی آن، تحول عمده‌ای در شیوه عمل بانک‌ها به وجود نیامد.

جدول ۳ نرخ اسمی و واقعی سود تسهیلات بانکی در دوره ۱۳۷۴-۱۳۷۹

عنوان	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹
نرخ اسمی سود بانکی	۱۷-۱۹	۱۷-۱۹	۱۷-۱۹	۱۷-۱۹	۱۷-۱۹	۱۷-۱۹
نرخ تغییر شاخص تولیدکننده در صنعت	۵۰/۸	۲۹/۱	۱۱/۰	۱۷/۰	۲۴/۵	۱۳/۸
نرخ تغییر شاخص تولیدکننده معدن	۵۹/۳	۳۶/۸	۱۱/۱	۲۲/۸	۶/۳	-۳/۱
نرخ واقعی سود بانکی در صنعت	تا -۳۱/۸	تا -۹/۹	۶۵/۸	۰۵۲	تا -۵/۵	۵۵/۲
ساخت	-۳۳/۸	-۱۱/۹			-۷/۵	۷/۲
نرخ واقعی سود در استخراج معدن	تا -۴۰/۳	-۱۷/۸	۵۷/۹	تا -۳/۸	۵۱۲/۷	۵۲۲/۱
	تا -۴۲/۳	تا -۱۹/۸	۵/۹	-۵/۸	۱۰/۷	۲۰/۱

توضیح: تغییرات شاخص قیمت در سال ۱۳۷۹ مربوط به قیمت آذرماه در مقایسه با ماه مشابه سال قبل است. مأخذ: استخراج شده از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تماگرهای اقتصادی. فرودی، محمد حسین؛ گزارش تجدید نظر در سال پایه شاخص بهای تولیدکننده در ایران بر پایه سال ۱۳۷۶؛ نشریه روند، شماره ۳۰ و ۳۱، پاییز و زمستان ۱۳۷۹.

در طول برنامه دوم عمرانی، تسهیلات تکلیف شده به بانک‌ها، اثر منفی بر سودآوری بانکی گذاشت و موجب افزایش خطرهای اعتباری بانک‌ها، افزایش بار بودجه‌ای دولت و خارج شدن حجم زیادی از منابع مالی بانک‌ها از دسترس آن‌ها شد. با توجه به مشکلات یاد

شده از سال ۱۳۷۷ در قوانین بودجه و در سال ۱۳۷۸ در قانون برنامه سوم تمهیداتی برای کاهش تسهیلات، تکلیفی بانک‌ها در نظر گرفته شد. گفتنی است که به رغم این تمهیدات، سازه‌ها، متمادی نظام بانکی با عواقب زیانبار اثر تجمعی این تسهیلات مواجه خواهد بود. مخدوش شدن مرز میان بانک و مؤسسه تولیدی موجب درگیر شدن بخشی از منابع بانکی در سرمایه‌گذاری‌های مستقیم شده که این امر نه فقط موجب رقابت بانک‌ها با بخش خصوصی گردیده، بلکه موجب تقدم این‌گونه طرح‌ها در دریافت اعتبارات بانکی شده است. نبود تقسیم کار میان بانک‌های تخصصی و تجاری موجب افزایش خطرهای اعتبارات بانکی شده و بر تخصیص کارآمد منابع اثر سوء بر جای گذاشته است.

بانک صنعت و معدن در دوره مورد بررسی از ایفای وظایف یک بانک تخصصی و توسعه‌ای بازمانده است. محدودیت منابع مالی بانک و اداره و تصدی واحدهای تحت پوشش آن، بانک مزبور را از تمرکز بر شناسایی طرح‌های صنعتی و ترغیب بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در رشته‌های دارای اولویت باز داشته است.

هر چند بانک توانسته تعداد واحدهای تحت پوشش خود را از ۱۰۵ واحد در سال ۱۳۷۴ به ۴۷ واحد در سال ۱۳۷۹ برساند، مبلغ تسهیلات اعطایی آن در این مدت سهم ناچیزی در کل سرمایه‌گذاری صنعت کشور داشته است (جدول ۴).

جدول ۴ آمار تسهیلات مصوب، تمهید شده و پرداخت شده توسط بانک صنعت و معدن

سال	تعداد تسهیلات		مبلغ تسهیلات (میلیون ریال)	
	تقاضا شده	مصوب	تمهید شده	پرداخت شده
۱۳۷۴	۱۸۶	۶۳	۸۴,۳۰۰	۱۸۷,۲۰۰
۱۳۷۵	۲۰۲	۷۵	۶۴۱,۲۰۰	۴۵۳,۸۰۰
۱۳۷۶	۱۷۹	۱۷	۴۱۵,۳۰۰	۲۴۷,۰۰۰
۱۳۷۷	۱۰۹	۲۵	۲۶۵,۶۴۸	۲۷,۷۰۰
۱۳۷۸	۲۶۳	۸۸	۲۲۴,۹۲۵	۲۲۸,۰۹۳
۱۳۷۹	۳۵۷	۷۲	۲۷۶,۴۱۶	۳۳۱,۱۱۰

مأخذ: بانک صنعت و معدن

در دوره ۱۳۷۷-۱۳۷۴ متوسط رشد ارزش افزوده صنعت و معدن ۳/۴ درصد بود. در این

دوره متوسط رشد مانده تسهیلات بانکی این بخش به قیمت جاری ۲۶/۹ درصد و به قیمت ثابت فقط ۱/۹ درصد بود. با توجه به این ارقام می‌توان نتیجه گرفت که طی این دوره، بخش صنعت و معدن دچار مضیقه مالی بوده است.

د) سیاست‌های مالیاتی دولت

قوانین و مقررات مالیاتی کشور یکی از عوامل بازدارنده توسعه صنعتی و معدنی در کشور است. به رغم اصلاحات پیش‌بینی شده در برنامه دوم، در این زمینه اقدام مؤثری به عمل نیامد. پیچیدگی «قانون مالیات‌های مستقیم»، اصلاحات مکرر در آن، مشروط بودن برخی از احکام مندرج در قانون (مانند ماده ۱۳۲)، محاسبه مالیات تصاعدی بر درآمد شرکت‌ها، اخذ مالیات از نقل و انتقال سهام، اخذ مالیات مضاعف از شرکت‌های سرمایه‌گذاری مادر و پیچیدگی و حتی غیرقابل اجرا بودن مالیات بر اندوخته‌ها بر اساس سهم هر سهامدار (ماده ۱۰۵ قانون) از مشکلات قانون موجود است.

البته هر چند در اصلاحیه اخیر، برخی از نارسایی‌های مذکور رفع شده، اما همچنان نیاز به یک قانون منقح محسوس است.

تعدد عوارض و مالیات‌هایی که طی زمان برای اهداف غیرصنعتی بر دوش صنعت گذاشته شده نیز یکی دیگر از موانع توسعه صنعتی در کشور به شمار می‌رود.

۵. استراتژی تجاری و نظام انگیزش‌های مالی

ایران فاقد استراتژی تجاری مناسب برای توسعه صنعتی است. محدودیت‌ها و گشایش‌هایی که در تجارت خارجی کشور رخ می‌دهد، متأثر از سیاست‌های حمایتی هدفمند نیست، بلکه اساساً تحت تأثیر شوک‌های نفتی و تأثیرات آن بر تراز پرداخت‌های کشور است.

در دوره برنامه دوم، نرخ مالیات بر واردات کشور بر اساس نرخ ارز در بازار آزاد اندک و بین ۲/۱ تا ۵/۷ درصد بوده است. تا جایی که به کالاهای صنعتی مربوط می‌شود، این نرخ در سال ۱۳۷۶ به ۱۷/۲ درصد می‌رسید (زنوز، ص ۱۳۴).

در محاسبات فوق، عوارض و هزینه‌های دریافتی توسط گمرکات کشور منظور نشده است. از کالاهای وارداتی ۱۱ نوع عوارض دریافت می‌شود. بابت سه قلم این عوارض ۸/۵ درصد حقوق گمرکی و سود بازرگانی و بابت دو قلم دیگر ۲ درصد ارزش سیف کالای

وارداتی وصول می‌شود.

باید خاطر نشان کرد که هزینه‌های حمل و بیمه باربری نیز همانند موانع تعرفه‌ای تجارت عمل می‌کنند. با توجه به ترکیب کالاهای وارداتی کشور، این نوع هزینه‌ها موجب افزایش قیمت‌های داخلی نسبت به قیمت‌های مرزی معادل ۹ درصد می‌شوند (همان جا، ص ۱۳۷). البته حمایت صنعتی در ایران به طور عمده از طریق اعمال محدودیت‌های مقداری بر واردات صورت می‌گیرد. در دوره برنامه دوم از ۴۵۵۱ گروه کالاهای صنعتی مندرج در مقررات واردات و صادرات کشور در حدود ۶۸۰ گروه کالایی یا در حدود ۱۵ درصد کالاهای وارداتی، مشمول ممنوعیت ورود بوده‌اند. در همان دوره ورود ۲۶۴۲ گروه کالا موکول به موافقت وزارتخانه‌های ذی ربط بوده است و فقط ورود ۲۲۹ گروه کالا مشمول کنترل و ممنوعیت نبوده است (همان جا، ص ۱۳۵).

به دلیل ارزشان‌تر بودن قیمت‌های داخلی انرژی در ایران، دولت ناخواسته از صنایع انرژی بر حمایت سنگین می‌کند که یکی از پیامدهای این وضع، ائتلاف انرژی در این صنایع و آثار مخرب زیست محیطی آن است.

حمایت صنعتی در ایران غیرانتخابی است و به اغلب صنایع، صرف نظر از زیست‌مندی آن‌ها تعلق می‌گیرد. به علاوه این حمایت غیرنزولی و دائمی است و این خود موجب رانت جویی و رخوت تکنولوژیکی است.

حمایت صنعتی در ایران مشروط به عملکرد صنعت در زمینه تحقق اهداف صادراتی، بهبود کیفیت تولید و غیره نیست و به همین جهت نقشی در اعمال دیسیپلین بر صنعت کشور ندارد.

۶. سیاست صنعتی

در دوره مورد بررسی، وزارتخانه‌های صنعتی برای تدوین سیاست صنعتی و اجرای آن، گام مؤثری برنداشته‌اند. سیاست صنعتی مستلزم مداخله دولت در بازار محصولات و عوامل تولید است. این مداخله‌ها صرفاً به سیاست‌های دوستدار بازار و به اصطلاح کارکردی که جنبه عمومی دارند، محدود نمی‌شود، بلکه مداخله‌های گزینشی دولت را نیز شامل می‌گردد. معمولاً دولت برای کسب توانایی‌های تکنولوژیک، تعداد معینی از شاخه‌های صنعتی را که پتانسیل رشد سریع دارند و در آن‌ها، صرفه‌های خارجی در خور توجه و آثار ارتباطی برای صنایع دیگر حائز اهمیت است، به منزله صنایع پیشرو مورد حمایت قرار می‌دهد. این

صنایع لزوماً از مزیت نسبی ایستا برخوردار نیستند. عملکرد وزارتخانه‌های صنعتی گویای آن است که اساساً در صدد هدایت سرمایه‌گذاری‌ها در جهات مورد نظر نبوده‌اند.

وجود تقسیم‌ناپذیری‌ها و صرفه‌های مقیاس‌ایجاب می‌کند که در برخی از شاخه‌های صنعتی بیش از تعداد معدودی تولیدکننده حضور نداشته باشند. در این گونه صنایع، آزاد گذاشتن ورود به صنعت موجب اتلاف منابع خواهد بود. در این زمینه نیز سیاست آگاهانه‌ای از سوی دستگاه‌های مسئول بخش صنعت اتخاذ نشده است.

تصمیمات سرمایه‌گذاران خصوصی و دولتی به دلیل نقص اطلاعات در مورد تکنولوژی، بازار، و ظرفیت‌های تولید همواره در جهت تخصیص بهینه منابع نیست. در این موارد وزارتخانه‌های صنعتی باید با ارائه اطلاعات لازم به اتخاذ تصمیمات مناسب کمک کنند، اما چنین نقشی ایفا نشده است.

در مواردی که سرمایه‌گذاری در یک صنعت مستلزم سرمایه‌گذاری در صنایع مرتبط با آن است، ایجاد هماهنگی از طریق ساز و کار بازار امکان‌پذیر نیست. از این رو، دخالت دولت ضرورت می‌یابد، اما دستگاه‌های مسئول در این باره گامی برنداشته‌اند.

در صنعتی شدن با تأخیر، پر کردن شکاف تکنولوژیک با پیشروان صنعت، حائز اهمیت بسیار است. از این رو در توسعه صنعتی، پیشرفت علمی و فنی جایگاه مهمی دارد، اما به دلیل نواقص بازار این امر به خودی خود اتفاق نمی‌افتد و دخالت‌های دولت به منظور تدوین سیاست تکنولوژیک و اجرای آن ضرورت دارد. وزارتخانه‌های صنعتی در دوره مورد بررسی به ایجاد مراکز تحقیقات صنعتی، ایجاد واحدهای تحقیق و توسعه در سطح کارخانجات (جدول ۵)، توسعه خدمات مهندسی (جدول ۶ و ۷)، انجام تحقیقات پایه و کاربردی (جدول ۸) و آموزش نیروی انسانی (جدول ۹) همت گماشته‌اند، اما بررسی موردی اقدامات انجام شده نشان می‌دهد که کشور فاقد سیاست تکنولوژیک است و برنامه‌های توسعه اقتصادی با برنامه توسعه تکنولوژی پیوند لازم را ندارند. به همین علت اتلاف منابع و تجاری نشدن نتایج تحقیقات در این بخش کاملاً عیان است.

کاهش موانع غیر تعرفه‌ای تجارت و پیوستن به سازمان تجارت جهانی، توجه جدی به ملاحظات فنی و استانداردها را بیش از پیش مطرح ساخته است. اما با ساختار و روش‌های کنونی مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی نمی‌توان با سرعت لازم در این جهت گام برداشت (جدول ۱۰). مؤسسه باید با اصلاح ساختار و وظایف خود امور اجرایی و

تصدی گری اش را به اشخاص واجد صلاحیت واگذار کنند. لازم است تأیید صلاحیت آزمایشگاه‌ها، بازرسان، کارشناسان استاندارد و گواهی دهندگان نظام‌های مدیریت کیفیت با اولویت در دستور کار مؤسسه قرار گیرد.

جدول ۵ عملکرد تحقیق و بررسی از سال ۱۳۷۲ تا پایان سال ۱۳۷۸ واحد: نفر.

نوع فعالیت	قبل از سال ۱۳۷۲	سال ۱۳۷۲	سال ۱۳۷۳	سال ۱۳۷۴	سال ۱۳۷۵	سال ۱۳۷۶	سال ۱۳۷۷	سال ۱۳۷۸	وضع موجود
پروانه تحقیق و توسعه	۱۱۱	۳۹	۶۸	۲۸	۱۴۲	۱۵۶	۹۳	۱۰۳	۷۴۰
جواز تأسیس واحد نظارتی	۱۴۴	۲۶	۳۵	۲۸	۱۹	۴۲	۳۵	۴۱	۳۷۰
پروانه تحقیق	۴۳	۴	۱۲	۱۲	۱۲	۲۴	۱۹	۱۸	۱۴۴

مأخذ: وزارت صنایع

جدول ۶ مقایسه روند صدور مجوزهای خدمات مهندسی طی برنامه پنجساله دوم

نوع مجوز	تا پایان سال ۱۳۷۳	برنامه پنجساله دوم					جمع کل
		سال ۱۳۷۴	سال ۱۳۷۵	سال ۱۳۷۶	سال ۱۳۷۷	سال ۱۳۷۸	
تعداد جواز تأسیس خدمات مهندسی	۸۸۴	۷۸	۳۰۲	۲۰۴	۱۵۴	۱۳۵	۱۷۵۷
تعداد پروانه خدمات مهندسی	۰	۱	۶۰	۴۱	۲۹	۲۸	۱۵۹

مأخذ: وزارت صنایع

جدول ۷ عملکرد خدمات مهندسی وزارت صنایع از ابتدا تا پایان سال ۱۳۷۸

ردیف	شرح فعالیت‌ها	از ابتدا تا پایان سال ۱۳۷۸
۱	جوازهای تأسیس واحدهای خدمات مهندسی صادره در کل کشور	۱۷۵۷
۲	پروانه‌های خدمات مهندسی با فرمت ردیف یک	۱۵۹
۳	تعداد واحدهای شناسایی شده با مصرف انرژی بیش از ۵ مگاوات	۴۸۱
۴	واحدهای مدیریت انرژی ایجاد شده در کارخانه‌ها	۲۰۰
۵	کارشناسانی که در دوره‌های آموزشی انرژی شرکت کرده‌اند.	۱۳۰۲
۶	عناوین استانداردهای تصویب شده در کمیته‌های ملی استاندارد	۲۵۴

مأخذ: وزارت صنایع

جدول ۸ عملکرد طرح های تحقیقاتی صنعتی وزارت صنایع از ابتدا تا پایان سال ۱۳۷۸

واحد: میلیون ریال

نام طرح	اعتبارات مصوب		اعتبارات جذب شده		تعداد قراردادهای منقذه		تعداد قراردادهای انجام شده	
	جمع	تا پایان ۱۳۷۴	جمع	تا پایان ۱۳۷۴	جمع	تا پایان ۱۳۷۴	جمع	تا پایان ۱۳۷۴
	۱۳۷۸	۱۳۷۴.۱۱	۱۳۷۸	۱۳۷۴.۱۱	۱۳۷۸	۱۳۷۴.۱۱	۱۳۷۸	۱۳۷۴.۱۱
طرح تحقیق و بررسی صنایع	۱۷۴۴۰	۱۷۴۴۰	۱۷۴۴۰	۱۷۴۴۰	۱۷۴۴	۱۷۴۴	۱۷۴۴	۱۷۴۴
طرح تحقیقات صنعتی، آموزش و اطلاع رسانی	۳۴۰۰۸	۳۴۰۰۸	۳۴۰۰۸	۳۴۰۰۸	۳۴۰۰	۳۴۰۰	۳۴۰۰	۳۴۰۰
طرح مطالعه بهره‌وری در صنعت	۲۳۵	۲۳۵	۲۳۵	۲۳۵	۲۳۵	۲۳۵	۲۳۵	۲۳۵
طرح تحقیق و بررسی مسائل واحدها و طرح های صنعتی	۵۱۳۲	۵۱۳۲	۵۱۳۲	۵۱۳۲	۵۱۳	۵۱۳	۵۱۳	۵۱۳
طرح اعطای کمک های فنی و تکنولوژی به صنایع	۱۶۹۱۰	۱۶۹۱۰	۱۶۹۱۰	۱۶۹۱۰	۱۶۹۱	۱۶۹۱	۱۶۹۱	۱۶۹۱
طرح ایجاد و تجهیز مراکز آزمایش و تحقیق و استاندارد کردن اطلاعات خود رو	۴۰۰۰	۴۰۰۰	۴۰۰۰	۴۰۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰
طرح ارائه ای سطح تکنولوژی در صنایع الکترونیک	۷۷۵۰۰	۷۷۵۰۰	۷۷۵۰۰	۷۷۵۰۰	۷۷۵۰	۷۷۵۰	۷۷۵۰	۷۷۵۰

مأخذ: وزارت صنایع

جدول ۹ فعالیت های آموزشی وزارت صنایع طی برنامه پنج ساله دوم توسعه اقتصادی کشور

شرح فعالیت آموزشی	واحد	سال ۱۳۷۴	سال ۱۳۷۵	سال ۱۳۷۶	سال ۱۳۷۷	سال ۱۳۷۸	جمع کل
سینار های آموزش	فقره	۴۲۶	۵۸۸	۶۰۶	۵۲۴	۳۷۷	۲۵۲۱
دوره های کوتاه مدت	فقره	۱۴۰۶۶	۳۱۳۲۲	۲۹۴۵۱	۲۶۱۸۱	۱۱۰۵۲	۱۱۲۰۷۴
	فقره	۲۱۰۲	۲۱۵۰	۵۳۰۶	۴۱۱۹	۲۵۳۹	۱۶۲۱۶
دوره بلند مدت کار دانی	فقره	۴۱۹۰۱	۴۸۷۱۴	۱۰۷۹۸۵	۹۱۲۰۶	۴۸۱۸۶	۳۳۷۹۹
دوره بلند مدت کار شناسی	فقره	۱۰۶۴	۴۳۱۷	۱۰۰۵	۲۴۵	۲۷۰	۶۹۰۱
دوره بلند مدت کار شناسی ارشد	فقره	۶۰۸	۱۳۴۴	۱۰۷۵	۷۰۲	۷۷۲	۲۵۰۱
دوره های خارج از کشور	فقره	۲۹	۵۶	۵۰	۴۸	۲۴	۲۰۷
	فقره (معرفی شده)	۶۱	۱۰۳	۷۴	۷۰	۴۲	۲۵۰
کارآموزی دانشجویان	فقره	۵۵۷۸	۷۱۲۲	۵۹۰۱	۵۱۸۲	۶۵۳۶	۳۰۳۳۹

مخبر های برنامه: - اجرای برنامه ها بر مبنای سیاست عدم تمرکز

- اولویت های اجرایی متناسب با سیاست های تعیین شده بیش تر در خصوص دوره های تخصصی در زمینه های سرمایه گذاری، الکترونیک، الکترونیک، میکرو الکترونیک و رباتیک، اتوماسیون، فن آوری انتقال تکنولوژی، خود رو، محیط زیست و صنایع کوچک، متوسط بوده است.

- تمرکز بر روی ارتقای کیفی فعالیت های آموزشی.

مأخذ: وزارت صنایع

جدول ۱۰ اهم فعالیت‌های مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران تا پایان سال ۱۳۷۹

ده ماهه ۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶	۱۳۷۵	۱۳۷۴	تا پایان سال ۱۳۷۳	اهم فعالیت‌ها
۳۲۲	۵۷۶	۶۴۸	۵۲۰	۴۱۹	۲۰۶	۳۸۷۵	تدوین و تجدیدنظر استاندارد ملی
۵۵۳	۸۹۶	۲۸۵	۴۳۳	۳۸۷	۳۷۲	۱۶۱۴	صدور پروانه کاربرد علامت استاندارد
۱۰	۲۷	۴۵	۲۷	۲۶	۲۸	۵۲	تأیید آزمایشگاه‌های همکار
م.ن	۱۳۲	۱۱۵	۶۸	۲۱	۱۱	۰	گواهینامه سیستم مدیریت کیفیت ایزو ۹۰۰۰ (ثبت آماری)
م.ن	۲	۳	۲	۰	۰	۰	گواهینامه سیستم مدیریت زیست محیطی ایزو ۲۰۰۱ (ثبت آماری)

مأخذ: وزارت صنایع، معاونت توسعه صنعتی، اداره کل آمار و اطلاع‌رسانی، عملکرد تفصیلی سال ۱۳۷۸، ص ۳۵۳
م.ن = موجود نیست

۷. واگذاری صنایع دولتی

الف) در دوره ۱۳۷۹-۱۳۷۴ سازمان صنایع ملی ۶۴/۹ میلیون سهم به ارزش ۶۷۷/۶ میلیارد ریال و سازمان گسترش و نوسازی ۷/۲۹ میلیون سهم به ارزش ۴۷۵/۶ میلیارد ریال به فروش رساندند. هیچ یک از دو سازمان مذکور موفق به تحقق کامل اهداف برنامه در زمینه واگذاری صنایع دولتی به بخش خصوصی نشدند.

ب) مطالعات انجام شده در مورد نتایج خصوصی سازی گویای آن است که عملکرد واحدهای سازمان صنایع ملی پس از واگذاری بهبود نیافته است؛ اما واحدهایی که به شرکت سرمایه گذاری سازمان تأمین اجتماعی واگذار شده‌اند بهتر از گذشته عمل کرده‌اند.

ج) تازمانی که بسترهای نهادی و قانونی لازم برای توسعه فعالیت‌های بخش خصوصی در اقتصاد کشور فراهم نشود و اصلاحات کارکردی در بازار سرمایه و بازار کار کشور صورت نگیرد، نمی‌توان به موفقیت واگذاری صنایع و پیامدهای مثبت اقتصادی آن امیدوار بود.

د) نبود یک سازمان تخصصی برای واگذاری صنایع دولتی، مقاومت مدیران و کارگران

در مقابل خصوصی سازی، و فقدان عزم سیاسی برای انجام آن از دلایل دیگر عدم موفقیت در این زمینه است.

۸. ایجاد شهرک های صنعتی

الف) در دوره مورد بررسی، سرمایه گذاری قابل توجهی برای احداث شهرک های صنعتی در کشور انجام گرفت، به نحوی که در پایان ماه دهم سال ۱۳۷۹ تعداد ۳۰۲ شهرک مصوب و ۲۴۰ شهرک در حال واگذاری زمین، وجود داشت و ۹۲۲۷ هکتار زمین صنعتی به متقاضیان واگذار شده بود.

ب) این تصور نادرست که شهرک ها می توانند موجب توسعه مناطق محروم شوند، موجب احداث تعدادی از شهرک ها در مناطقی از کشور شده است که استعداد صنعتی ندارند.

ج) شروع هم زمان تعداد زیادی پروژه شهرک سازی، به تأخیر در اجرا و ناتمام ماندن تعدادی از آن ها انجامیده است.

د) نظارتی بر نحوه قیمت گذاری زمین صنعتی، کارایی، هزینه و چگونگی خدمات رسانی در شهرک ها وجود ندارد و مطالعه ای در مورد آثار شهرک ها بر کارایی واحدهای صنعتی انجام نگرفته است؛ اما واگذاری زمین در شهرک های نیمه تمام قطعاً به زیان صاحبان صنایع و کارایی صنعتی است.

ه) در چند سال اخیر اقداماتی برای ایجاد شهرک فن آوری صنایع غذایی در خراسان، شهرک الکترونیک در شرق تهران و شهرک فن آوری قطعات خودرو در آذربایجان شرقی صورت گرفته و به این ترتیب فصل جدیدی در کار شرکت شهرک های صنعتی آغاز شده است.

و) با ایجاد معاونت توسعه صنعتی در شرکت شهرک های صنعتی زمینه مناسبی برای حمایت از صنایع کوچک و متوسط فراهم شده است.

۹. جمع بندی، نتیجه گیری و پیشنهادها

چالش هایی که در پیش روی صنعت کشور قرار دارد اساساً محصول سیاست های دولت است. توانایی یا ناتوانی بخش صنعت کشور در رویارویی با فرصت ها و تهدیدهایی که از

محیط بین‌المللی نشأت گرفته نیز تا حد زیادی به ساختار صنعتی بستگی دارد که خود تحت تأثیر چارچوب‌های نهادی ایجاد شده توسط دولت و سیاست‌های آن شکل گرفته است.

الف) جهانی شدن و استراتژی تجاری

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌هایی که اقتصاد و صنعت کشور با آن مواجه گردیده جهانی شدن اقتصاد است. در سایه تحولات تکنولوژیک در زمینه ارتباطات، اطلاعات و حمل و نقل. امروزه بیش از هر زمان دیگر، زمینه بسط تجارت و سازماندهی تولید در مقیاس جهانی توسط شرکت‌های فراملیتی فراهم آمده و سیاست دولت‌ها در آزادسازی تجارت بین‌المللی و آزادسازی جریان سرمایه در سطح جهانی، بهره‌گیری از فرصت‌های جدید را تسهیل کرده است. امروزه ما شاهد نقش روزافزون شرکت‌های بین‌المللی در تولید و تجارت جهانی هستیم. این شرکت‌ها از طریق ادغام‌ها و اکتساب‌ها و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های جدید، سهم بزرگی در توزیع و توزیع مجدد جغرافیایی فعالیت‌های صنعتی و معدنی دارند.

سازمان‌های مالی بین‌المللی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی در واقع در شکل دادن به فرایند جهانی شدن و توزیع منافع آن نقش مهمی دارند. یکی از پیامدهای جهانی شدن این است که در این فضای جدید بین‌المللی از نقش دولت‌های ملی در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی به تدریج کاسته می‌شود و تحولات جهانی، نقش بارزتری در تعیین سرنوشت ملل می‌یابند.

از آن جا که پیامد این تحولات بر اقتصاد و صنعت کشور بسیار تعیین کننده است، ضرورت دارد فرصت‌ها و تهدیدهای ناشی از آن به درستی ارزیابی و استراتژی و سیاست‌های مناسبی در قبال آن اتخاذ شود.

بخش صنعت و معدن کشور به دلیل عقب ماندگی علمی و فنی و بهره‌وری پایین عوامل تولید در آن، آمادگی لازم برای رقابت با محصولات وارداتی را حتی در درون مرزهای ملی ندارد تا چه رسد به رقابت در سطح بین‌المللی در بازارهای صادراتی.

به رغم ایجاد موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای، امروزه فشار از ناحیه محصولات که به طور قاچاق وارد کشور می‌شوند، تعدادی از صنایع داخلی را دچار زیان کرده است. ورود غیرقانونی منسوجات، پوشاک، کفش، لوازم برقی منزل، چای و سیگار در مقیاسی گسترده به کشور بر کسی پوشیده نیست. این امر آسیب‌پذیری اقتصاد کشور را از ناحیه رقابت خارجی

به وضوح نشان می‌دهد.

در عین حال صنایع کشور برای ورود به بازار جهانی نیازمند برخورداری از شرایط مشابه تجاری با رقبای خود هستند و برای این منظور عضویت در سازمان تجارت جهانی ضروری است. اما عضویت در این سازمان، مستلزم اعمال اصلاحات در سیاست‌های ارزی و تجاری کشور است. که یکی از آن‌ها، تبدیل موانع غیر تعرفه‌ای تجارت به تعرفه محسوب می‌شود. گام بعدی، کاهش تدریجی تعرفه‌های گمرکی و حرکت به سمت تجارت آزاد است. تطبیق قانون سرمایه‌گذاری خارجی با مقررات دور اروگوئه و پذیرش حقوق مالکیت معنوی نیز از جمله دیگر تبعات عضویت در سازمان تجارت جهانی است. در واقع با پذیرش قواعد بازی باید بسیاری از قوانین کشور، از جمله بندهایی از قانون اساسی در طول زمان تغییر یابد. در دراز مدت یکی از تبعات جهانی شدن، یکسان‌سازی بسیاری از قوانین تجاری و مقررات اقتصادی از جمله، رسیدگی به دعاوی تجاری، سرمایه‌گذاری، روابط کار، مقررات زیست محیطی، مالیات‌ها و یارانه‌ها است. همین مسأله انتخاب‌های موجود در پیش پای دولت‌های ملی را برای سیاست‌گذاری صنعتی به شدت محدود می‌کند. بدین معنا که اگر جمهوری کره، تایوان، برزیل و هند توانسته‌اند در سایه اتخاذ سیاست‌های تجاری و صنعتی مناسب شکاف تکنولوژیک خود را با دنیای پیشرفته کم کنند و امروزه آمادگی لازم را برای ورود به عرصه رقابت جهانی به دست آورده‌اند، ما این فرصت را در بیست سال گذشته از دست داده‌ایم. دیگر امروز آزادی عمل دولت‌های فوق برای ما وجود ندارد و با گذشت زمان امکان استفاده از استثنایها و امتیازاتی که در قالب مقررات دور اروگوئه برای کشورهای در حال توسعه قائل شده‌اند پیوسته محدودتر می‌شود.

واقعیت این است که در محیط جهانی کنونی ما فرصت اندکی برای حمایت صنعتی و پر کردن شکاف تکنولوژیک خود با دنیای پیشرفته داریم و اگر از این فرصت باقیمانده که گمان نمی‌رود بیش از ۵ تا ۷ سال باشد به درستی بهره‌گیری نکنیم، در تقسیم کار جهانی جایگاه مناسبی به دست نخواهیم آورد و با تبدیل کشور به صادرکننده تک محصولی نفت در آینده شانس خوبی برای صنعتی شدن نخواهیم داشت. بدین ترتیب، از فرصت‌های جهانی شدن سود نخواهیم برد. ولی در معرض زیان‌های ناشی از آن به صورت صنعت‌زدایی نخواهیم بود.

در برنامه سوم، دولت با توجه به ضرورت پیوستن کشور به سازمان تجارت جهانی،

موانع غیر تعرفه‌ای و غیر فنی را حذف و درخصوص تهیه برنامه زمان‌بندی اصلاح نرخ‌های معادل تعرفه و اعلام آن به صورت پیش‌آگهی و تعیین تعرفه‌های گمرکی اقدام می‌کند (ماده ۱۱۵). در مقررات صادرات و واردات سال ۱۳۸۰ موانع غیر تعرفه‌ای واردات حذف شده است.

پیشنهاد می‌شود ساختار تعرفه گمرکی برای انواع کالاها با توجه به اولویت‌های صنعتی تعیین گردد و نرخ نزولی آن برای دوره برنامه سوم به تصویب هیأت دولت برسد و برای اطلاع عموم اعلام شود. از این طریق حمایت‌های گمرکی هدفمند خواهد شد و نزولی و موقت بودن آن به اطلاع صاحبان صنعت خواهد رسید و آنان خواهند توانست در قالب این چارچوب مشخص، تصمیمات لازم را برای بقای صنعت خود در محیط رقابتی اتخاذ کنند. در برنامه سوم به منظور تقویت توان رقابت محصولات صادراتی کشور در بازارهای بین‌المللی نیز سیاست‌هایی پیش‌بینی شده است (مواد ۱۱۳ و ۱۱۶ و ۱۱۷ قانون برنامه). معافیت مالیاتی صادرات، افزایش سرمایه بانک توسعه صادرات، ایجاد مراکز اطلاع‌رسانی، حمایت از صدور خدمات فنی و مهندسی و ایجاد شورای عالی صادرات از جمله سیاست‌هایی است که در این زمینه اتخاذ شده، اما هیچ‌گونه کمک مالی یا یارانه برای صادرات در برنامه پیش‌بینی نشده است؛ در حالی که در کشورهای موفق در زمینه توسعه صادرات صنعتی، صادرکنندگان از کمک‌های بیش‌تر برخوردارند. گفتنی است که در این کشورها، برخورداری از کمک‌های مالی دولت موکول به تحقق اهداف تعیین شده برای صادرات شرکت‌ها است.

ب) پرکردن شکاف تکنولوژیک و سیاست صنعتی

تجربه کشورهای تازه صنعتی شده آسیای شرقی نشان داد که توسعه صنعتی سریع این کشورها، مرهون پیروی از نیروهای بازار آزاد در داخل و تجارت جهانی نبوده، بلکه مدیون اتخاذ استراتژی تجاری و صنعتی، مداخله‌های مبتنی بر تشخیص و نهادهای اقتصادی خاص بوده است (Sanjaya Lall, 1996).

به دلیل محدودیت منابع اقتصادی و نیز به دلیل آثار خارجی مثبت برخی از صنایع از نظر ایجاد ارتباطات فراز و نشیب و کسب توانایی‌های علمی و فنی، اغلب کشورهای آسیای شرقی، به تناسب مرحله رشد اقتصادی و صنعتی، تعدادی از صنایع را به منزله صنایع پیشرو

انتخاب و مورد حمایت قرار داده‌اند. صنایع پیشرو در جریان صنعتی شدن از صنایع کاربر شروع شده و به صنایع سنگین که سرمایه بر و بزرگ مقیاسند و سرانجام به صنایع تکنولوژی بر ختم شده‌اند.

درک کشورهای موفق از رقابت نیز با آموزه‌های کتاب‌های درسی متعارف متفاوت بوده است. آن‌ها با بررسی تجربه کشورهای پیشرفته دریافته‌اند که رقابت افراطی موجب محروم ماندن از مزایای حاصل از مقیاس می‌شود و در رقابت کامل، سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه به صرفه نخواهد بود. به این ترتیب، به تمرکز صنعتی به دیده منفی نگاه نکرده‌اند (Singh, 1995).

بسیاری از صاحب‌نظران این نکته را متذکر شده‌اند که کسب توانایی‌های تکنولوژیک اهمیت مرکزی را در موفقیت کشورهای آسیای شرقی در زمینه صنعتی شدن با تأخیر داشته است. در واقع تحولات تکنولوژیک، بنیاد رشد پایدار صنعتی به شمار می‌رود (Pack & Westphal, 1986)

همان‌طور که در قسمت‌های قبلی این نوشته بیان شد، در ایران، فاقد سیاست صنعتی بوده‌ایم. تا جایی که به اولویت‌های سرمایه‌گذاری صنعتی مربوط است، در ماده ۱۱۲ قانون برنامه سوم صنایع الکترونیکی، مخابراتی و اپتیک از طریق سیاست‌گذاری و سرمایه‌گذاری‌های متمرکز و هماهنگ سازماندهی و تقویت می‌شود. همچنین در برنامه، سازمان‌گسترش و نوسازی موظف به توسعه صنایع با تکنولوژی پیشرفته شده است.

نکته در این جا است که کارآمد کردن صنایع فلزات اساسی، پتروشیمی و ماشین‌سازی بر کارایی کلیه بخش‌های صنعت کشور تأثیر مثبت بر جا خواهد گذاشت. از این رو، برای اولویت بخشیدن به توسعه این صنایع، بهره‌گیری از آخرین دستاوردهای علمی و فنی و استفاده از مزایای مقیاس در این صنایع باید در مرکز توجه قرار گیرد. قیمت‌گذاری محصولات این صنایع باید به گونه‌ای باشد که هر چه سریع‌تر به سطح قیمت‌های بین‌المللی نزدیک شود تا از این طریق قدرت رقابتی صنایع استفاده‌کننده مواد واسطه‌ای و کالاهای سرمایه‌ای کاهش نیابد.

کنترل ورود به صنعت به دلیل تقسیم‌ناپذیری‌ها و وجود صرفه‌های مقیاس در برخی از رشته‌ها ضروری است. در رشته‌هایی که این ملاحظات در کار نیست، ارائه اطلاعات به هنگام از میزان ظرفیت‌های تولید موجود و در دست احداث در کشور و برآوردهای علمی

از تقاضای بالفعل و بالقوه در بازار داخلی و صادراتی، تولیدکنندگان را در تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری یاری خواهد کرد.

در مواردی که نیاز به سرمایه‌گذاری‌های مکمل وجود دارد، ایجاد هماهنگی میان شرکت‌های خصوصی به منظور سرمایه‌گذاری در رشته‌های مرتبط ضروری است.

در دوره برنامه دوم و سال اول برنامه سوم، مبالغ در خور توجهی در تحقیقات صنعتی هزینه شده اما نتایج و فواید این تحقیقات ارزیابی نگردیده است. ادامه این شیوه تخصیص منابع به هیچ وجه توجیه اقتصادی ندارد و به نظر می‌رسد که در این زمینه درک درستی از سیاست تکنولوژیک موجود نیست.

تا جایی که به کسب توانایی‌های تکنولوژیکی مربوط است باید گفت در متون مختلف این توانایی‌ها به صور متفاوت تعریف شده‌اند. توانایی‌های تکنولوژیک در مراحل اولیه صنعتی شدن شامل این مواردند:

۱. توانایی‌های تولید به دانش و مهارت‌هایی اطلاق می‌شود که در کارخانه به کار بسته می‌شوند. در این خصوص سه نوع فعالیت قابل تشخیص است: مدیریت تولید، مهندسی تولید، و تعمیر و نگهداری سرمایه‌فیزیکی.

۲. توانایی احداث صنعت، شامل شناسایی پروژه، انتخاب تکنولوژی، طراحی کارخانه، مهندسی تفصیلی و احداث صنعت.

۳. توانایی اعمال تغییرات جزئی در فرایند تولید و در مشخصات محصولات صنعتی.

۴. توانایی بازاریابی استراتژیک.

۵. بهره‌گیری از توانایی‌های ارتباطی (linkage capabilities). در این‌جا منظور، دانش، مهارت و توان سازمانی موجود در یک شرکت برای انتقال تکنولوژی در سه سطح مختلف درون بنگاه، بین بنگاه‌ها، میان آن بنگاه و زیر ساخت علمی و فنی کشور است.

۶. کسب‌توانایی‌های لازم برای اعمال تغییرات عمده در فرایند تولید و عرضه محصولات جدید.

در کشور ما تعریف محدودتری از توانایی‌های تکنولوژیک در سیاستگذاری به کار می‌رود و به ابعاد مختلف آن کم‌تر توجه می‌شود.

مسئله دیگر این است که همه سازوکارهای توسعه و توانایی‌های تکنولوژیک کم‌تر مورد توجه قرار می‌گیرند. در واقع توانایی‌های فنی را می‌توان به طرق گوناگون، از جمله طرق

زیر، کسب کرد:

۱. یادگیری از طریق کارکردن در شرکت‌های عرضه کننده تکنولوژی؛
۲. تقلید و مهندسی معکوس؛
۳. انعقاد قراردادهای فرعی (subcontracting)؛
۴. دریافت مجوز ساخت؛
۵. موافقتنامه‌های مربوط به انتقال تکنولوژی؛
۶. استخدام پرسنل دارای تجربه و آموزش دیده؛
۷. استفاده از مهندسان مشاور یا شرکت‌های توسعه و تحقیق (R&D)؛
۸. خرید تکنولوژی؛
۹. کسب منابع تکنولوژی؛
۱۰. ایجاد مراکز R&D؛
۱۱. گسترش مراکز R&D با همکاری دیگران؛
۱۲. اعطای مجوز ساخت متقابل (Cross Licencing).

در بسیاری از مواقع برای کشوری مانند ایران انجام دادن تحقیق و توسعه به معنای دقیق کلمه مورد پیدا نمی‌کند. در عین حال باید توجه داشت که انتخاب سیاست مناسب برای کسب توانایی‌های فنی در این یا آن رشته خود مستلزم شناخت راه‌های ممکن و مقایسه معایب و مزایای آن‌ها است. این موضوع در کشور ما کاملاً مورد غفلت است.

پرداخت کمک مالی به انتقال تکنولوژی و انجام تحقیق و توسعه ضروری است؛ اما تأمین مالی کل هزینه این طرح‌ها از سوی دولت به تعریف پروژه‌های غیر ضروری و اتلاف منابع می‌انجامد. از این رو، پیشنهاد می‌شود دولت فقط بخشی از هزینه این گونه طرح‌ها را تقبل کند.

فرایند شناسایی، تصویب، اجرا و تجاری کردن آن نیز نیازمند اصلاحات اساسی است.

ج) محیط نامناسب کسب و کار در سطح ملی

در این جا به کلیدی‌ترین عناصر محیط کسب و کار توجه خواهد شد که عبارتند از: مشکلات نهادی و قانونی در زمینه مالکیت خصوصی و رابطه دولت با کارفرمایان صنعتی، نهادهای بازار کار و بازار سرمایه و سیاست‌های مالی و پولی دولت.

یک) حقوق مالکیت و رابطه دولت با بخش خصوصی

اصل ۴۴ قانون اساسی، حوزه عمل بخش خصوصی را در اقتصاد و صنعت ایران به شدت محدود می‌کند. توسعه خصوصی‌سازی در دراز مدت سیاست‌گذاران را با مرزهای این محدودیت مواجه خواهد ساخت. نکته دیگر این است که حیطه عمل بخش خصوصی در قوانین عادی به دقت ترسیم نشده است. ابهام در حدود مالکیت مشروع، خطرهای مالکیت بزرگ را بالا می‌برد و تمایلی به سمت پنهان کردن درآمد و ثروت و تنوع بخشیدن به سپد دارایی‌ها به وجود می‌آورد که همواره به نفع انباشت سرمایه در بخش صنعت و شکل‌گیری مؤسسات بزرگ صنعتی نیست.

شاید بتوان گفت که دولت سیاست خصمانه‌ای در مورد سرمایه‌های بزرگ دنبال می‌کند یا لاقفل نمی‌تواند رسماً سیاست دوستانه‌ای را در قبال این قبیل سرمایه‌ها ابراز دارد. در دو دهه اخیر به دنبال اضمحلال طبقه سرمایه‌دار صنعتی، طبقات نوحاسته‌ای از راه زد و بند با بوروکرات‌ها به ثروت و شوکت رسیده‌اند. اما اینان خود به خوبی آگاهند که مرتبت اجتماعی‌شان به نفوذ در ارکان دولت و بوروکراسی وابسته است. از این رو همواره در بیم از دست دادن موقعیت خود هستند. انگیزه این طبقه نوحاسته عبارت است از دستیابی به رانت‌هایی که توسط دولت توزیع می‌شود، اما منافع خود را در سرمایه‌گذاری مجدد درآمدهای حاصل از فعالیت‌های صنعتی در این بخش نمی‌بینند. در نزد این گروه، میل به انتقال سرمایه به بخش ساختمان، تجارت و خارج از مرزها بالا است و آفاق دراز مدت را برای تصمیمات سرمایه‌گذاری خود در صنعت روشن نمی‌بینند.

برای اصلاح وضعیت کنونی و کمک به شکل‌گیری طبقه سرمایه‌دار مستقل از دولت و علاقه‌مند به توسعه صنعتی کشور لازم است:

اولاً رابطه بوروکراسی با بخش خصوصی از ارتباط فردی بوروکرات‌های فاسد و افراد ذی‌نفوذ در دولت خارج شود و دولت بتواند به طور مستقل از منافع خصوصی و با در نظر داشتن منافع ملی دراز مدت کشور، سیاست‌گذاری کند. لازمه این کار اصلاح ساختار دولت است که در برنامه سوم به آن به تفصیل توجه شده است.

ثانیاً از طریق تقویت تشکلهای صنعتی، ارتباط ریشه‌داری میان دولت و بخش خصوصی مبتنی بر حمایت، تشویق و همکاری متقابل برقرار شود.

ثالثاً قوانین مالکیت شفاف شود و دولت مواضع روشنی در قبال سرمایه خصوصی

داخلی و خارجی اتخاذ کند.

رابعاً قانون تجارت و قوانین مربوط به دعاوی اقتصادی به روز شود و محاکم مستقل و تخصصی با نیروهای شایسته و کافی برای رسیدگی به دعاوی تجاری شکل گیرد. بدون توجه به مسائل فوق، خصوصی سازی تحقق نخواهد یافت و واگذاری صنایع دولتی به بخش خصوصی نیز نتایج مورد نظر را به بار نخواهد آورد.

دو) قوانین و نهادهای بازار کار

برای پی‌ریزی بنیان‌های توسعه صنعتی کشور، اصلاح نهادهای بازار کار ضروری است. در دوره بعد از انقلاب به دلیل رکود اقتصادی و وجود بیکاری و فقر در جامعه، دولت خود را موظف به حمایت از شاغلان بخش صنعت می‌دید. در قانون کار نیز اخراج کارکنان مازاد بر نیاز صنعتی در صورت وقوع رکود اقتصادی پیش‌بینی نشده بود.

این امر در دهه اول انقلاب که بخش صنعت با تنگنای ارزی و رکود اقتصادی مواجه بود، موجب کاهش بهره‌وری سرانه نیروی کار و کاهش مزدهای واقعی شد. در دهه دوم انقلاب، موانع اداری و قانونی همچنان وجود داشت، اما با افزایش نرخ بهره‌برداری از ظرفیت‌های تولیدی و گسترش ظرفیت‌های صنعتی، نیروی کار شاغل در صنعت افزایش چندانی نشان نداد و مازاد نیروی کار جذب تولید شد. با این حال بخش‌های کاربر صنعت نظیر نساجی از این وضع زیان دیدند.

یکی از موانع سرمایه‌گذاری صنعتی در ایران، انعطاف‌ناپذیری اشتغال است. در واقع دولت با این سیاست، بخشی از هزینه‌های تأمین اجتماعی را به صاحبان سرمایه تحمیل می‌کند، غافل از این که هر چند با این کار در کوتاه مدت تا حدودی از معضلات اجتماعی بیکاری کاسته می‌شود، در دراز مدت به دلیل کاهش سطح سرمایه‌گذاری، فرصت‌های شغلی جدید برای نسل جوان از دست می‌رود. این شیوه حمایت از اشتغال صنعتی در دراز مدت به زیان طبقه کارگر، سرمایه‌داران صنعتی و نیروی کار جوانی است که در جستجوی کار وارد بازار کار می‌شوند.

نکته دیگر این است که در ایران با احتساب مرخصی قانونی کارگران و تعطیلات رسمی، روزهای کار عادی در طی سال به زحمت به ۲۶۰ روز می‌رسد و به همین دلیل روزهای کار در ایران کم‌تر از کشورهای در حال توسعه مشابه است.

تا جایی که به نهادهای بازار کار مربوط است باید گفت، دولت‌ها در ایران از دیرباز از شکل‌گیری نهادهای کارگری و کارفرمایی مستقل واهمه داشته‌اند. به همین دلیل امروزه در کشور تشکل‌های کارگری مستقل وجود ندارند.

با تعقیب این سیاست، متأسفانه به این نکته مهم توجه نمی‌شود که تشکل‌های کارگری مستقل با افزایش رضایت کارگران از روابط کار، سبب کاهش جابه‌جایی نیروی کار، افزایش سطح آموزش کارگران و افزایش بهره‌وری نیروی کار می‌شوند. باید توجه داشت که تشکل‌های کارگری و کارفرمایی نهادهای مستقلی هستند که به منظور کاهش هزینه‌های مبادله و تسهیل جریان اطلاعات در بازار کار به وجود آمده‌اند. کم‌کاری، خرابکاری در امر تولید و اعتصابات، هزینه‌هایی است که در غیاب نهادهای کارآمد بروز می‌کند (کریمی، ۱۳۷۹).

قراردادهای دسته جمعی کار، هزینه‌های ناشی از عدم اطمینان و بی‌ثباتی را حداقل می‌سازد. ساختار قانونی قراردادهای کار و سازمان‌های متولی تنظیم روابط صنعتی، از طریق بالا بردن هزینه‌های عدم پای‌بندی به قراردادها و عدم اجرای تعهدات، سبب ارتقای کارایی اجتماعی می‌شود. در این مورد، دولت به عنوان طرف سوم می‌تواند بر اجرای قراردادهای کار نظارت داشته باشد و با دخالت خود مانع از افراط و تفریط در انعقاد قراردادهای کار شود. حذف یا تضعیف تشکل‌های کارگری به کاهش اطمینان، کاهش سرمایه‌گذاری به منظور آموزش نیروی کار، کاهش همکاری و تعاون در روابط کار، افزایش منازعات و اختلافات و به طور خلاصه افزایش هزینه فرایند مبادله در بازار کار می‌انجامد (کریمی، ۱۳۷۹).

با توجه به نکات یاد شده پیشنهاد می‌شود:

اولاً در قانون کار بازنگری لازم از نظر پیش بینی انعطاف‌پذیری برای تعدیل نیروی انسانی صورت گیرد.

ثانیاً لازم است برای حفظ توان رقابتی صنایع کشور، ساعات کار هفتگی و روزهای کار سالانه در ایران با کشورهای نیمه صنعتی یکسان شود.

ثالثاً دولت از نگرش منفی خود به تشکل‌های کارگری مستقل دست بردارد و اجازه دهد در یک محیط دموکراتیک، این نهادها خارج از القانات و هدایت‌های ایدئولوژیک دولت شکل بگیرند.

رابعاً نقش اطلاع‌رسانی خود را در مورد فرصت‌های اشتغال و متقاضیان کار بسط دهد و

از این طریق زمان و هزینه از دست رفته را برای جستجوی کار بکاهد. خامساً با وساطت خود، مذاکرات تشکل‌های کارفرمایی و کارگری را به سمت اعتدال و حفظ منافع ملی هدایت کند.

سه) نهادهای بازار سرمایه

در تحلیل شیوه‌های تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌ها در بخش صنعت و معدن ملاحظه شد که عقب‌ماندگی نهادهای مالی (مانند بانک صنعت و معدن، بورس اوراق بهادار) مانعی جدی در راه انباشت سرمایه در کشور پدید آورده است.

خوشبختانه در فصل دهم قانون برنامه سوم به ساماندهی بازارهای مالی توجه گردیده و در ماده ۱۱ قانون برنامه سوم نیز تمهیداتی به منظور فعال کردن بانک صنعت و معدن پیش‌بینی شده است. با تغییر اخیر که در اساسنامه بانک صنعت و معدن به وجود آمد عملاً ایجاد هماهنگی میان سیاست‌های صنعتی و وزارت صنایع و معادن و سیاست‌های اعتباری بانک آسان‌تر از گذشته شده است.

ضرورت دارد که بانک صنعت و معدن هر چه زودتر به صورت یک بانک توسعه‌ای مجدداً سازماندهی شود و پیوند کاری مناسبی میان بانک و کارفرمایان خصوصی در بخش صنعت و معدن پدید آید. بانک می‌تواند در یافتن شرکای خارجی برای سرمایه‌گذاری‌های صنعتی بزرگ مقیاس، نقش مناسبی ایفا کند. همچنین بانک در شناسایی و ارزیابی فنی اقتصادی طرح‌های سرمایه‌گذاری و معرفی آن به سرمایه‌گذاران بالقوه داخلی و خارجی نیز می‌تواند کار کند. اما به نظر می‌رسد به لحاظ نقش محوری‌ای که بانک می‌تواند در تأمین مالی صنایع بزرگ و کوچک و در بهبود کارایی تخصیص منابع می‌تواند داشته باشد، نمی‌توان به امید تحولات آتی نشست، بلکه لازم است که مجلس و دولت این تحولات را به ترتیب زیر تسریع و تسهیل کنند:

اولاً مدیر عامل بانک از میان مدیران موفق با تجربه بانکی کشور انتخاب شود.

ثانیاً ساختار تشکیلاتی و ترکیب نیروی انسانی بانک هر چه زودتر متناسب با وظایف جدید آن مورد تجدید نظر قرار گیرد.

ثالثاً مدیر عامل و هیأت مدیره بانک یک برنامه دو ساله را برای واگذاری کلیه صنایع و فعالیت‌های اقتصادی بانک تنظیم کرده، در اختیار سازمان خصوصی سازی قرار دهد و ملتزم

به اجرای آن باشد.

رایعاً دولت از محل اعتبارات عمرانی، هر چه زودتر منابع مالی جدیدی به بانک تزریق و توانایی بانک را برای اعطای تسهیلات درازمدت بانکی افزایش دهد.

خامساً بانک مرکزی در تخصیص منابع جدیدی که از طریق انتشار اوراق مشارکت به منظور افزایش بنیه سرمایه‌ای بانک‌های کشور فراهم خواهد کرد برای بانک‌های تخصصی اولویت قائل شود.

سادساً مدیر عامل یا یکی از اعضای هیأت مدیره بانک در شوراهای سیاست‌گذاری صنعتی حضور داشته باشد و سازوکار مناسبی برای پیروی بانک از سیاست‌های صنعتی وزارت صنایع و معادن به وجود آید.

ناجایی که به نرخ سود تسهیلات اعطایی برای سرمایه‌گذاری مربوط می‌شود، سقف نرخ بهره اسمی تسهیلات بانکی از سوی بانک مرکزی باید بر پایه نرخ تورم پیش بینی شده در اقتصاد کشور به اضافه ۲ درصد محاسبه شود. در غیر این صورت، نرخ‌های بهره بانکی بالاتر موجب رکود سرمایه‌گذاری‌های صنعتی خواهد شد.

منابع ارزی نیز که از محل وجوه صندوق ذخیره ارزی با کارفرمایان صنعتی پرداخت می‌شود باید بر اساس نرخ بهره بین‌المللی محاسبه و به ارز دریافت شود. در این صورت، نرخ تورم داخلی از طریق تنزل ارزش ریال، مبلغ ریالی تعهدات مالی وام‌گیرنده را افزایش خواهد داد. به این ترتیب، مخاطرات نرخ ارز بر عهده‌گیرنده تسهیلات ارزی خواهد افتاد. اما برای جبران بخشی از خطرهای می‌توان بازار سلف ارز ایجاد کرد.

چهار) سیاست‌های مالی و پولی دولت

با یکسان سازی نرخ ارز از سال ۱۳۸۱ انتظار می‌رود دولت و بانک مرکزی خود را متعهد به رعایت بیش‌تر انضباط مالی و پولی کنند، چه در غیر این صورت، اقتصاد کشور شاهد نرخ‌های بالای تورم، کسری موازنه بازرگانی و نوسانات شدید نرخ ارز و تنزل‌های پی‌درپی ارزش پول ملی خواهد بود و عدم تعادل در بازار کالاها، پول و ارز موجب بی‌ثباتی اقتصادی و افزایش مخاطرات اقتصادی خواهد شد. در این وضعیت، قیمت‌های نسبی به شدت دستخوش تغییر خواهد گردید و نظام بازار کارایی خود را در زمینه تخصیص بهینه منابع از دست خواهد داد.

به علاوه بی ثباتی اقتصادی به کاهش سرمایه گذاری صنعتی خواهد انجامید که با تداوم این وضع، یک بار دیگر شاهد بازگشت به کنترل بازار کالاها، اعتبار و ارز خواهیم بود.

د) ظرفیت محدود دولت برای انجام مداخله های مفید در اقتصاد

یکی از چالش های مهم بخش صنعت و معدن کشور، ناتوانی دولت در عرصه سیاست گذاری و انجام مداخله های مفید در اقتصاد کشور است. گذشته از بی ثباتی سیاسی و تنش در مناسبات بین المللی که بر محیط کسب و کار آثار نامطلوبی بر جا می گذارد و ظرفیت های دولت را محدود می کند، ساختار درونی دولت و روابط آن با لایه های اجتماعی نیز در این میان بر توانایی های دولت مؤثر واقع می شود.

در ادامه این مسأله ابتدا در چارچوب وسیع تر دولت به معنایی که در علوم سیاسی مصطلح است (به معنای قوای سه گانه یا مجموعه حاکمیت سیاسی) و سپس در سطح محدودتر، ستاد سیاست گذاری صنعت، مورد توجه قرار می گیرد.

یک) دولت متعارض

در دنیای معاصر، وظیفه دولت ها فقط به حفظ نظم و امنیت داخلی و حراست از مرزهای ملی محدود نمی شود، بلکه دولت ها نقش مهمی در تسریع رشد اقتصادی و صنعتی دارند. اما نکته این است که توانایی دولت ها برای تدوین و اجرای برنامه مداخله های مفید در اقتصاد غالباً نامحدود نیست.

عملکرد ضعیف اقتصاد و صنعت کشور بیانگر این واقعیت انکار ناپذیر است که در ایران دولت از اجرای نقش مفید در تسریع رشد و توسعه اقتصادی و صنعتی ناتوان بوده که علت این امر را باید در کارکردهای درونی دولت و کنش متقابل میان عناصر تشکیل دهنده دولت و گروه های ذی نفع و گروه های فشار موجود در جامعه جستجو کرد.

قوای سه گانه کشور از نظر نهادی و قانونی با یکدیگر تداخل وظیفه دارند. در عین حال ناسازگاری درونی آن ها با یکدیگر به شدت از ظرفیت های دولت، برای قانون گذاری و تنظیم اجرای سیاست ها و برنامه ها می کاهد.

مسأله دیگر، فقدان تعهد و عزم قوی برای توسعه اقتصادی در میان رهبران سیاسی است. به نظر می رسد در ایران امروز، به رغم تأکید همه ارکان حکومت در رسیدگی به وضعیت

معیشتی مردم، پیوند ناگزیر این مسأله با راه اندازی چرخ‌های اقتصاد کشور، و تسریع رشد و توسعه صنعتی، این موضوع لااقل در میان بخشی از ارکان دولت، به خوبی درک نشده است. اینان حل مسأله فقر و بیکاری را در حد اتخاذ سیاست‌های درمانی کوتاه مدت دولت و همچنین در توزیع مجدد درآمد و ثروت می‌بینند و نگران توسعه دراز مدت اقتصاد کشور و پیامدهای آن بر رفاه مادی جامعه نیستند.

نقش بوروکراسی منزله و فعال که عزل و نصب آن در پست‌های اداری بر شایسته‌سالاری بنا گردیده از منزلت اجتماعی و درآمد کافی برای به دور ماندن از وسوسه‌های فساد اداری برخوردار است، در تعیین ماهیت سیاست‌ها و برنامه‌های دولت، نحوه اجرای آن‌ها و نوع رابطه دولت و بخش خصوصی بسیار حایز اهمیت است، لکن در این زمینه نیز قوه مجریه از وضع مطلوب بسیار فاصله دارد و متأسفانه دستگاه‌های اداری از کارمندان دون پایه، فاقد شایستگی، با درآمد ناکافی و منزلت اجتماعی نازل انباشته‌اند. اصلاح دستگاه اداری متورم و بیمار و وظیفه دشواری است که در پیش روی قوه مجریه قرار دارد.

در درون قوه مجریه سه دستگاه زیر وظیفه هدایت اقتصاد کشور را با رعایت منافع اقتصاد ملی بر عهده دارند و در صورت پیدایش تعارض منافع میان اهداف بخشی وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های مختلف با منافع ملی باید وارد عمل شوند:

- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی؛

- وزارت امور اقتصادی و دارایی؛

- بانک مرکز جمهوری اسلامی.

اما ضعف و عدم استقلال واقعی این دستگاه‌ها در مقابل اعمال نفوذهای دستگاه‌های دیگر و ناهماهنگی میان مسئولان آن‌ها در چند سال اخیر بر کسی پوشیده نیست.

با توجه به آنچه اجمالاً در بالا بیان شد، اصلاح نظام اداری با هدف بهبود ظرفیت‌های دولت برای مداخله‌های مفید در اقتصاد، پیش شرط ضروری رشد و توسعه اقتصادی و صنعتی کشور است. اما این کار، خود در گرو انجام اصلاحات سیاسی است. فقط در این صورت دولت می‌تواند در نیل به هدف فوق، کارفرمایی موفق باشد و رویکردی عملگرایانه، انعطاف‌پذیر و غیر ایدئولوژیک به اعمال سیاست‌های اقتصادی داشته باشد.

دو) ستاد سیاستگذاری و هدایت صنعت

نقش و اهمیت ستاد سیاستگذاری صنعت در فرایند توسعه صنعتی در کشور در حال توسعه‌ای مانند ایران زمانی بهتر درک می‌شود که:

اولاً این نکته پذیرفته شود که موارد شکست بازار در اقتصاد ایران مانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه جدی است.

ثانیاً دولت می‌تواند با دخالت‌های مفید، شکست بازار در تخصیص منابع را جبران کند، ولی نمی‌تواند نظام برنامه‌ریزی متمرکز را جانشین نظام بازار سازد.

این دو اصل نه از کتاب‌های درسی، بلکه از تجربه تاریخی کشورهای مختلف در جریان توسعه اقتصادی و صنعتی شدن با تأخیر استنتاج شده است.

تجربه دهه اول بعد از انقلاب نشان داد که در این زمینه اقتصاد ایران به دلیل کوچک شمردن نقش نظام بازار در تخصیص منابع و بزرگ محسوب گردیدن توانایی دولت در برنامه‌ریزی متمرکز زیان دیده و در دهه دوم نیز به دلیل اعتماد بیش از حد به کارایی نظام بازار در سطح ملی و بین‌المللی صدمه فراوان دیده است. اکنون زمان آن رسیده که از این افراط و تفریط بپرهیزیم و به تناسب افزایش ظرفیت سیاستگذاری دولت، از ماشین دولتی برای هدایت نیروهای بازار و رفع نواقص موجود در نظام بازار بهره‌گیری کنیم. تاجایی که به بخش صنعت مربوط است این مهم بدون بازسازی ستاد صنعت و هماهنگ کردن آن با سیاست‌های تجاری وزارت بازرگانی امکان‌پذیر نیست.

نارسایی‌ها و ناهماهنگی‌های ستاد صنعت و معدن یکی از دلایل عمده اتلاف منابع در این بخش است. به طور خلاصه مشکلات این ستاد را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی به طور اعم و مدیریت صنعت و معدن آن فاقد اقتدار لازم برای مقابله با زیاده‌طلبی‌ها و اعمال نفوذهای دستگاه‌های بخشی است. این سازمان همچنین فاقد توان کارشناسی لازم برای سیاستگذاری در بخش صنعت و معدن و نظارت بر آن است.

۲. دو وزارتخانه سابق صنعتی کشور (صنایع، معادن و فلزات) به دلیل تعارض ذاتی وظیفه سیاستگذاری و تصدی شرکت‌های دولتی، از وظیفه سیاستگذاری بازمانده‌اند. فقدان سیاست صنعتی و تکنولوژیک که در فصول قبلی به تفصیل مورد بحث قرار گرفت، شاهد این مدعا است.

۳. تشکیلات و نیروی انسانی شاغل در وزارتخانه‌های صنعتی ظرفیت لازم برای سیاستگذاری صنعتی و تکنولوژیک و اعمال نظارت بر آن را ندارند. زیرا این تشکیلات با هدف تصدی امور و تخصیص اداری منابع کمیابی همچون ارز به وجود آمده و آموزش دیده‌اند. وزارتخانه‌های صنعتی با مازاد پرسنل غیرمتخصص و کمبود پرسنل متخصص در زمینه برنامه‌ریزی صنعتی، مطالعات بازار و ارزیابی طرح‌های صنعتی مواجهند.
۴. رابطه مسئولان و کارشناسان ستاد صنعت و معدن با مدیران دولتی و بخش خصوصی فعال در این بخش اساساً مبتنی بر همکاری سازنده، در عین حفظ اقتدار و استقلال بوروکرات‌ها از نفوذ منافع خصوصی نیست. در این جا رابطه دولت و شهروندان در بسیاری از موارد به روابط خصوصی افراد تنزل می‌یابد.
۵. سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران با تصدی تعداد زیادی از صنایع کشور از اهداف اولیه خود که معطوف به نوسازی صنایع و ارتقای توانایی‌های کارفرمایی و تکنولوژیک بخش صنعت بوده بازمانده است.
۶. شرکت‌های دولتی خارج از حیطه نظارت دستگاه‌های بخشی و فرابخشی به صورت جزایر جداگانه و مستقل اداره می‌شوند و به دلیل سوء مدیریت و کارایی اندک، موجب اتلاف منابع ملی در مقیاسی گسترده می‌شوند.
۷. شرکت‌های تحت پوشش بنیادهای مختلف با برخورداری از معافیت‌های ویژه مالیاتی و مجوزهای اختصاصی به حیات خود ادامه داده‌اند. با این وصف بسیاری از آن‌ها به دلیل سوء مدیریت با وضع مالی نابسامان درگیرند. نظارت ستاد صنعت و معدن و وزارت دارایی بر عملکرد واحدهای تحت پوشش این بنیادها بسیار ناچیز و ناهماهنگی میان رفتار شرکت‌های متعلق به این بنیادها و اهداف و سیاست‌های اقتصادی و صنعتی دولت در مواردی آشکار است.
- ادغام وزارت معادن و فلزات و وزارت صنایع گام مهمی در جهت کوچک کردن اندازه دولت و ایجاد هماهنگی در ستاد بخش به شمار می‌رود. در قانون جدید وظایف وزارت صنایع و معادن به درستی و به صورت روشن مشخص شده است. تشکیلات وزارتخانه جدید نیز تهیه شده و در دست اجرا است.
- وزیر جدید خود را موظف به تهیه برنامه استراتژیک بخش و تدوین سیاست صنعتی می‌داند و در این راه کام‌های مشخصی نیز برداشته است. از محتوای این برنامه و نحوه اعمال

آن در آینده اطلاعی در دست نیست. به نظر نمی‌رسد با تدوین برنامه و سیاست صنعتی براساس مطالعاتی که خارج از تشکیلات وزارتخانه انجام می‌گیرد، اجرای موفقیت‌آمیز آن تضمین شود. آموزش کارکنان و تغییر نگرش‌های آنان نسبت به توسعه بخش و نقش کارفرمایی خصوصی و پیش‌بینی چارچوب‌های تشکیلاتی، شوراهای هماهنگی و روش‌های انجام کار برای این منظور لازم است.

سازمان گسترش و نوسازی باید ملزم شود برنامه روشنی در زمینه اجرای وظایف جدید که در برنامه سوم عهده دار شده ارائه دهد، اما ظاهرأ در این زمینه هنوز اقدام مشخصی انجام نشده است.

به نظر می‌رسد زمانی که صرف تشکیل شرکت‌های مادر تخصصی در بخش صنعت و معدن می‌شود طولانی خواهد بود و سازمان جدید خصوصی سازی نیز از ظرفیت‌های لازم برای پیشبرد خصوصی سازی برخوردار نیست. در این صورت یک‌بار دیگر شاهد به تعویق افتادن برنامه خصوصی سازی خواهیم بود. لازم است مجلس و دولت با آگاهی از این مخاطرات، نظارت بیش‌تری بر این کار داشته باشند.

هماهنگ کردن سیاست‌های وزارت بازرگانی و وزارت صنایع و معادن یکی دیگر از نکات مهم برای کارآمدتر کردن سیاست تجاری و به‌کارگیری آن در راه توسعه صنعتی کشور است. برای این کار باید سازوکار مناسبی اندیشیده شود.

۱۰. منابع

۱. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، حساب‌های ملی ۱۳۳۸-۱۳۷۷ (تجدید نظر شده).
۲. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش اقتصادی و ترازنامه، سال‌های مختلف.
۳. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نتایج آمارگیری کارگاه‌های بزرگ صنعتی - سال‌های مختلف.
۴. بانک صنعت و معدن، آمارهای دریافتی از طریق پرسشنامه.
۵. فنودی، محمدحسین، «گزارش تجدیدنظر در سال پایه شاخص بهای تولیدکننده در ایران بر پایه سال ۱۳۷۶»، نشریه روند، شماره ۳۰ و ۳۱، پاییز و زمستان ۱۳۷۹.
۶. کریمی، زهرا، نهادهای بازارکار و هزینه‌های مبادله در ایران، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، اسفند ۱۳۷۹.
۷. مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، آبان ماه ۱۳۷۵، نشریه کل کشور.

- ۸ مرکز آمار ایران. نتایج آمارگیری کارگاه‌های صنعتی کشور، سال‌های مختلف.
۹. وزارت صنایع. عملکرد تفصیلی سال ۱۳۷۸ وزارت صنایع. تیرماه ۱۳۷۹.
۱۰. هادی زنونز، بهروز. استراتژی‌های تجاری و توسعه صنعتی در ایران در دوره ۱۳۵۸-۱۳۷۷. دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبایی، دی ماه ۱۳۷۹.

11. Lall, sanjaya, *Learning From the Asian Figures: Studies in Technology and Industrial Policy*, 1996.
12. Singh, Ajit, "The Causes of Fast Economic Growth in East Asia", *UNCTAD Review*, 1995, pp. 91-127.
13. Puck, H. and L.E. Westphal "Industrial Strategy and Technical Change: Theory Versus Reality", *Journal of Development Economics*, No 22, pp. 87-128.





پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی